

سید ارشد آنرا با وی بگفتند فرمود که آن در حقیقتی بود که از برودن کار خود
 و ستوری خویشت با رسول خدا ای سلام کند **و از آنجا که**
 که آن سببی است که رسول صلی الله علیه و سلم جابیطی که
 از آن انصار بود در آنجا بود و ابو بکر و عمر و جمیع از انصار رضی الله عنهم
 با وی بودند و در آن جابیط رفته بودند رسول صلی الله علیه و سلم
 سیده کردند ابو بکر رضی الله عنه گفت با رسول الله ما لایق تریم پس برود
 کردن از این کوسفند ان فرمود که نمی شناید که کسی جز خدا را سجده
 برد و اگر شایستی من زان ان بفرمودی تا شوی به ان خود را سجده کردی
و از آنجا که که اهل بیت رسول صلی الله علیه و سلم جابیطی بود
 و حشمتی چون رسول صلی الله علیه و سلم از خانه بیرون می آمد وی بر وی
 جسیت و بازی میکرد چون رسول صلی الله علیه و سلم بجایه درون نمی
 آمد آن و حشمتی بر او در می آمد و از جای جنبید و او را میس کرد
و از آنجا که که یکی از اهل بیت کوفید که در خانه خود در زمین جای
 کندیم آب شور بر روی آن آمد آنرا با رسول صلی الله علیه و سلم گفتند
 مطهره آب است و داد در آن جای ریختیم شربش بود

که زیاد بن الحارث الصدای گفته است که قوم من پیش رسول صلی الله
 علیه و سلم آمده بودند گفتند یا رسول الله ما را جای است که چون در آن
 کرد آن می شنیدیم آن همه را فراموش کردیم و در تابستان آن آن
 پیش ازین چون تابستان می شد متفرق می شدیم و بسوی اتمامی که در
 حوالی انت می رفتیم و اکنون انان که کرد اگر دمایند اعدای ما باشد
 اگر متفرق میشوند ما را اهلک میکنند و عاکن ما خدای تعالی جاهه ما را کت
 دهد و آب آن زمستان و تابستان ما و خاکند رسول صلی الله علیه و سلم
 هفت سنگ ریزه طلبد و بدست مبارک خود بمالد و دعای بران
 دیدد فرمود که وقتی که بجای خود رسید این سنگ ریزه را بیکان
 بیکان در آن جای افکند و نام خدای تعالی را با کسبید آن قوم
 مان عمل کردند آب جهان بسیار شد که نمی توانستند که در قسم
 نکاه کنند **و از آنجا که** که سعد موی ابو بکر رضی الله عنه گفته است
 که با رسول صلی الله علیه و سلم در سفر بودیم در منزلی فرود آمدیم و گفت ای
 سعد برو و آن ریزه را بدستش و من آن موضع را میدارم و آن جا
 بسج بر می بنویسد چون برقیتم دیدم که آنجا برزیت بسته اندا بر شیه

کتابنا در این کتاب